بسمه تعالی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ی ۱ ارومیه نام: معاونت آموزش ابتدایی نام خانوادگی : کاربرگه نگارش پایه ی ششم تعداد صفحه: صفحه	بصورت کیفی (تحقق یا عدم تحقق) یا (درجه بندی) یا (نمادگذاری) یا (درصد) یا ....
دانش زبانی (۲۰٪ وزن سئوالات)	میزان تحقق سنجه ها
• به جای واژگان مشخص شده، واژه های دیگری قرار دهید و جمله ها را بازنویسی کنید. الف) هیچ چیز نمی تواند اثر محبت را از بین ببرد. . ..... ب) بپرسیم و از هیچ چیز نهراسیم. . ..... پ) هرکسی شخصیت خود را در رفتار و عمل خویش نمایان می کند.	
• معنی کلمات زیر را بنویسید. آوخ: ..... آذرگشسب:	
منظور از بیت »کم گوی و گزیده گوی چون در تا ز اندک تو جهان شود پر« چیست؟ ..... مفهوم بیت « فجر تا سینه ی آفاق شکافت چشم بیدار علی خفته نیافت» چیست؟ ..... بیت زیر را به نثر ساده باز نویسی کنید. خروشید و جوشید و برکند خاک زسُمّش زمین شدهمه، چاک چاک عبارتهای زیر را مانند نمونه، به نثر ساده ی امروز، برگردانید	

نثر کهن	نثرساده‌ی امروز
نخست کسی، من باشم که بدو گِرَوَم.	من نخستین فردی باشم که به او ایمان آورم.
نیکویی گویید و زینهار بدی نکنید.	
راست گفتن، پیشه کنید.	

مانند نمونه واژه های زیر را در جدول قرار دهید.

کلمه ــ فضلا ــ کتاب ــ کلمات ــ فاضل ــ کُتُب ــ فصل ــ متن ــ فصول

کلمه	کلمات
.....	.....
.....	.....
.....	.....

هم خانواده کلمات زیر را بنویسید و سه حرف مشترک واژه های هر گروه را بنویسید.

هلاک .....

مقصود .....

علم .....

فکر .....

حافظ .....

تحصیل .....

عزت .....

در عبارات و ابیات زیر منادا و حرف ندا را مشخص کنید.

ای وطن، همچو باران بهاری

سعدیا، مرد نکونام، نمیرد هرگز

یارب، نکن از لطف، پریشان ما را

خدای کعبه، ای یکتا

نوع جمله های زیر را مشخص کنید. (خبری، عاطفی، سوالی، امری، شبه جمله)

زیر درخت را نگاه کن

برای سربلندی میهن عزیزمان چه کارهایی باید انجام دهیم

امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد

خدایا تو معرکه ای

دریغ

پس اعتدال نگاه باید داشت

بار الها

گشاده است بر ما، در راستی

میزان تحقق سنجه ها	دانش ادبی (۲۰٪ وزن سئوالات)
	کدام یک از شعرهای زیر مثنوی است؟ دلیل بیاورید. ..... الف) بادِ بهاری وَزید از طرف مَرغزار / باز به گردون رسید، نالهٔ هر مُرغ زار خیز و غنیمت شمار، جُنبشِ بادِ رَبیع / نالهٔ موزونِ مرغ، بوی خوشِ لاله زار ب) زبهرِ نیایش، سر و تن بشُست / یکی پاک جای پرستش بجُست از آن پس نهاد از برِ خاک، سر / چنین گفت: کای دادورِ دادگر! زِ هَر بد، تویی بندگان را پناه / تو دادی مرا، گُردی و دستگاه
	• در هر یک از جمله های زیر «**شهید**» به چه چیزی تشبیه شده است؟ الف) شهدا خورشیدند. ..... ب) چون چراغی است که در خانه ما می سوزد. ..... • کلمه های زیر را به چیزهای مناسب، تشبیه کنید و در جمله ای به کار ببرید. مادر مثل ..... گل مانند ..... کوه چون ..... ایران همانند ..... • جمله های زیر را کامل کنید. شهدا همیشه ..... شهید همچون ..... شهدا چون کوه های ..... • با استفاده از جانبخشی، برای هر یک از کلمه های زیر یک جمله بنویسید. چمنزار: ..... باغچه: ..... زبان سبز: .....
	• یک نمونه مبالغه که در صحبت هایتان به کار می برید، بنویسید. .... • چه آرایه ای در بیت های زیر وجود دارد؟ توضیح دهید. خروشید و جوشید و برکند خاک ز سّمش زمین شد همه چاک چاک در این بیت، شاعر ..... بزد تیغ و بنداخت از بر، سرش فرو ریخت چون رود خون از برش در این بیت، شاعر .....

• معنای دور و معنای نزدیک کنایه ی زیر را بنویسید. **آب در هاون کوبیدن** معنای نزدیک ..... معنای دور ..... . • معنای دور و معنای نزدیک کنایه ی زیر را بنویسید. **به تنگ آمدن** معنای نزدیک ..... معنای دور ..... . • معنای دور و معنای نزدیک کنایه ی زیر را بنویسید. **در خانه ی او همیشه باز است** معنای نزدیک ..... معنای دور	
• واژه های متضاد را در ابیات و عبارت های زیر بیابید. **الف)** سخن در میان دو دشمن، چنان گوی که اگر دوست گردند، شرم زده نشوی. (سعدی) **ب)** موج زخود رفته ای، تیز خرامید و گفت : هستم اگر میروم، گر نروم نیستم . (اقبال لاهوری)	
درک متن (۳۰٪ وزن سئوالات)	میزان تحقق سنجه ها
متن زیر را با »که، و، اگرچه، اما، ولی« کامل کنید. در زمان های قدیم ، یک گرگ و یک روباه با یکدیگر دوست بودند. گرگ در یک روز سرد زمستانی، هنگامی که برف سنگینی باریده بود، برای پیدا کردن غذا بیرون رفت. همین طور که دنبال غذا می گشت، به کوهی رسید..... در آنجا روباه را دید..... به کوه تکیه داده بود. گرگ گفت: «سلام روباه ای کاش تو هم با من به شکار می آمدی!..... من همه جا را گشته ام؛ ولی چیزی پیدا نکرده ام». روباه با لحن دوستانه ای گفت: «متاسّفم دوست عزیز! می خواهم به تو کمک کنم، ..... باید این کوه را نگه دارم. اگر تو این کوه را نگه داری، من می روم و برای تو و خودم شام خوبی می آورم». سپس روباه به سمت گرگ پرید..... گرگ هم به سمت کوه. ساعت ها گذشت..... روباه برنگشت..... دست و پشت گرگ خسته شده بود؛ امّا صبر کرد. بعد از مدّتی فهمید که روباه بر نخواهد گشت. حال با توجه به متن به سئولات زیر پاسخ دهید: • بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟ • پیام متن چیست؟	

- جاهای خالی را با »اما، ولی، بنابراین، و« کامل کنید.

چند وقت پیش داستانی درباره ی خیر و شر خواندم. اینکه سالها پیش خیر و شر برای شنا کردن به دریا رفتند..... شر زودتر از آب بیرون آمده..... لباسهای خیر را پوشید..... خیر هم برای اینکه برهنه نماند، مجبور شد لباسهای شر را بپوشد و حالا سالهاست که آدم ها خیر و شر را اشتباه می گیرند.

حال با توجه به متن به سئولات زیر پاسخ دهید:

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟
- چرا مردم شر و خیر را اشتباه می گیرند؟

- جمله های زیر را با دقت بخوانید و به ترتیب درست، شماره گذاری کنید.

☐ مرد نگاهی به نانوا انداخت و گفت:«نان نیست، جان است برادر!»

☐ مرد گرسنه با دست نانی را نوازش کرد و گفت:«ای مرد، چقدر می‌گیری که مرا از این نان‌ها سیر کنی؟»

☐ روزی روزگاری مردی خسته و مانده، تشنه و گرسنه به شهری رسید.

☐ این شد که گفت: «سکّه ای بده و هر چه که می خواهی از این نان‌ها بخور!»

☐ «چه می خواهی مرد؟ اینها که می‌بینی نان است، نه چیز دیگر!»

☐ نانوا لبخندی زد و گفت: «سکّه ای بده و نان بخر و بخور. نوش جانت!»

☐ او با دیدن نان‌های تازه آب دهانش سرازیر شد.

☐ طوری حرف می زنی که گویی سال‌هاست نان ندیده‌ای.

☐ نانوا به او خیره شد و با خودش گفت: «این مرد هر چه پرخور و گرسنه باشد، بیشتر از چند نان نمی‌تواند بخورد» .

☐ روزهاست که نان ندیده‌ام؛ ولی نان‌های تو از آن نان‌هاست که خوردن دارد.

☐ از آنجا که خیلی گرسنه بود، جلوی دکّان نانوایی ایستاد.

☐ مرد با خوشحالی سکّه ای به نانوا داد و شروع به خوردن کرد.

☐ نانوا که مرد گرسنه را دید، پرسید:

حال با توجه به متن به سئولات زیر پاسخ دهید:

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟

- متن زیر را با دقت بخوانید.

آن سوی جنگل ها، روستای کوچکی بود. در آنجا رسم بود که افراد پیر و از کار افتاده را در خانه ی دور افتاده ای نگهداری کنند.

در این روستا، دهقان جوانی با پدر پیر و پسر کوچکش زندگی می کرد. پدر او دیگر نمی توانست کار کند. دهقان جوان تصمیم گرفت او را به آن خانه ببرد.

فردای آن روز، پدرش را سوار گاری کرد و به راه افتاد. وقتی که به آنجا رسیدند، مقداری آب و غذا برای او گذاشت و برگشت. در راه به یاد پیری خودش افتاد و گفت: «انصاف نیست؛ یک روز ممکن است پسرم همین بلا را سر من بیاورد». دهقان جوان برگشت و پدر را با خود به خانه آورد و او را در زیرزمین خانه اش پنهان کرد.

پس از مدّتی بیشتر مردم روستا بیمار شدند. وقتی پیر مرد خبر را شنید، گفت: «بیماری به خاطر آب آلوده است. به سرچشمه بروید و راه آب را عوض کنید». دهقان جوان حرف های پدر را به مردم گفت. آنها مسیر آب را تغییر دادند و سلامتی به روستا بازگشت.

مدّتی گذشت. فصل کاشت فرا رسید. پدر پیر به پسرش گفت: «اگر امسال مردم به جای گندم ذرّت بکارند، سال بعد زمین دوباره قوّت پیدا می کند و محصول گندم زیاد می شود».

مردم همان کاری را کردند که پیرمرد گفته بود. سال بعد آسیاب ها پر از دانه های گندم شدند. مردم روستا جشن گرفتند و به خانه ی دهقان آمدند و گفتند: «تو خیر مردم روستا را از همه بهتر می دانی پس کدخدای ما هستی.» دهقان گفت: «امّا من کاری نکرده ام، این فکر پدرم بود». مردم با تعجّب گفتند: «مگر او را به آن خانه نبرده ای؟»

دهقان جوان ماجرا را تعریف کرد و گفت: «درست است که پدرم از کار افتاده است؛ امّا چیزهای زیادی می داند». از آن روز مردم تصمیم گرفتند که پیرمردها و پیرزن ها را پیش خود نگه دارند.

با توجه به متن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟
- در سطر اول کلمه ی »آنجا« به چه چیزی اشاره می کند؟
- کلمه ی »او« به چه کسی یا چه چیزی اشاره می کند؟
- کلمه ی »تو« به چه کسی یا چه چیزی اشاره می کند؟
- در بند سوم کلمه ی »آنجا« به چه چیزی اشاره می کند؟

- متن زیر را بخوانید.

سالهای بسیار دور پادشاهی زندگی می کرد که وزیری داشت که همواره می گفت: هر اتفاقی که رخ می دهد به صلاح ماست. روزی پادشاه برای پوست کندن میوه کارد تیزی طلب کرد، اما در حین بریدن میوه، انگشتش را برید. وزیر که آنجا بود، گفت: نگران نباشید، تمام چیزهایی که رخ می دهد در جهت خیر و صلاح شماست.

پادشاه از این سخن وزیر برآشفت و از رفتار او در برابر این اتفاق آزرده خاطر شد و دستور زندانی کردن وزیر را داد. چند روز بعد پادشاه با همراهانش برای شکار به نزدیکی جنگلی رفتند. پادشاه در حالی که مشغول اسب سواری بود، راه را گم کرد و وارد جنگل انبوهی شد و از همراهان خود دور افتاد. در حالی که پادشاه به دنبال راه بازگشت بود، به محل سکونت قبیله ای رسید که مردم آن در حال تدارک مراسم قربانی برای خدایانشان بودند. زمانی که مردم قبیله، پادشاه را دیدند، خوشحال شدند، زیرا تصور کردند بهترین قربانی برای تقدیم به خدای آنهاست!

آنگاه پادشاه را در برابر تندیس الهه خود بستند تا وی را بکشند، اما ناگهان یکی از مردان قبیله فریاد زد: «چگونه می توانید این مرد را برای قربانی کردن انتخاب کنید در حالی که وی بدنی ناقص دارد. به انگشت او نگاه کنید!» به همین دلیل او را قربانی نکردند و آزاد شد.

پادشاه که به قصر برگشت، وزیر را فراخواند و گفت: اکنون فهمیدم منظور تو از این که می گفتی "هر چه رخ می دهد به صلاح شماست"، چه بود، زیرا بریده شدن انگشتم موجب شد زندگی ام نجات یابد. اما در مورد تو چی؟ تو به زندان افتادی این امر چه خیر و صلاحی برای تو داشت؟! وزیر پاسخ داد: اگر من زندان نمی افتادم، مانند همیشه در جنگل به همراه شما بودم. در آنجا زمانی که مردم قبیله شما را قربانی نکردند، مرا برای قربانی کردن انتخاب می کردند.

با توجه به متن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

- بهترین عنوان برای متن بالا چیست؟
- پیام متن چیست؟
- خیر زندانی شدن وزیر برای او چه بود؟
- خلاصه داستان را در چند سطر بنویسید.

.....

.....

- مفهوم »تا« را در هر یک از جمله های زیر، بنویسید. (فاصله ی زمانی و مکانی – وقتی که، زمانی که و همین که، برای اینکه – واحد شمارش)
  - آنها دام و تله می گذارند تا تو را در دام بیندازند. .....
  - می خواهم به مهدی کمک کنم تا درس هایش را بهتر یاد بگیرد. .....
  - از شام تا سحر بیدار بود. .....
  - تا کنون چند تا کتاب خوانده ای؟ .....
  - تا شام، نیفتاد صدای تبر از گوش. .....

• واژه ی اگر معمولا مفهوم **شرط** و **تردید** را بیان می کند . مفهوم «اگر» را در هر یک از جمله های زیر، بنویسید. ➢ بی شک دریاقلی اگر در آن شب سرنوشت ساز، دچار ترس و تردید می شد و اگر تنها به نجات خود و خانواده اش می اندیشید یا اگر اندکی کوتاهی می کرد؛ خدا می دانست چه اتّفاقات ناگواری می افتاد. ..... ➢ موفق می شوی، اگر تلاش کنی.	
عبارت زیر را با جمله ای کوتاه تر، بیان کنید. الف) من هم مانند شما موجودی زنده هستم و زندگی من، فراز و فرودها و داستانی طولانی دارد. ..... ب) سحرگاهان خورشید از پشت افق، یعنی آنجا که دریا به آسمان می پیوندد، پدیدار می شود و چهره ی خود را به جهانیان نشان می دهد.	
نگارش و کارگاه نویسندگی (۳۰٪ وزن سئوالات)	میزان تحقق سنجه ها
متن زیر را بخوانید و هر جایی که لازم است، در آن از نشانه های « . ، ؟ : ! » استفاده کنید. یک روز غروب .....وقتی دهقان از مزرعه به خانه بر میگشت از لانه ی غازها صدایی شنید .....دهقان از جا پرید و گفت « .....چه صدای عجیب..... حتماً روباه است » ..... سپس به طرف لانه ی غازها دوید .....روباه را از لانه ی غازها بیرون کرد .....در را که باز کرد .....گفت « .....دختر خوبم ..... روباه می گوید .....امروز صبح که غازها را به چرا می بردی .....شال زیبایی سرکرده بودی .....یا شالت را می دهی یا همه ی غازها را می برم.....» دخترک با ناراحتی گفت « .....مگر روباه هم شال سر می کند » ..... دهقان گفت « .....من نمیدانم ».....	
مفهوم ضرب المثل های زیر را در یک بند توضیح دهید. به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی است این دغل دوستان که می بینی، مگس انند گرد شیرینی مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می ترسد تا پول داری رفیقتم، قربانِ بند کیفتم تو نیکی میکن و در دجله انداز... کار نیکو کردن از پر کردن است هرکه بامش بیش، برفش بیشتر با دوستان بساز و بر دشمنان بتاز نوشدارو بعد از مرگ سهراب	

	دشمن دانا بلندت میکند بر زمینت می زند نادان دوست از تو حرکت، از خدا برکت شکر نعمت، نعمتت افزون کند کبوتر با کبوتر باز با باز، کند هم جنس با هم جنس پرواز
	در مورد یکی از دو موضوع زیر دو بند بنویسید. مشورت کردن چه فایده هایی دارد و با چه کسانی باید مشورت کرد؟ بهار و زیبایی های آن را با کلامی زیبا توصیف کنید. وطن خود را توصیف کنید .....

بازخورد کلی و اعلام وضعیت کیفی دانش آموز: